

آن چه ویژه محله نوفل است

۱. یاد می آید حدود ۳۰ سال پیش در محله نوفل، عصرها همه افراد محله پیاده روی می کردند و از فضای زیبای «باغ ملک آباد» لذت می بردند؛ آن روزها به دلیل نبود ساختمان های عمودی، انواع پرند های مهاجر در باغ پرواز می کردند که واقعا فضای دل پذیری را به وجود می آورد. عبور جوی آب گناباد از وسط باغ نیز به کیفیت فضایی محله می افزود. انواع پرند ها از جمله هزارستان از خروس خوان صبح شروع به خواندن آواز می کردند و صفای خاصی به محله نوفل می بخشیدند، اما متأسفانه بعد از آن که اجازه ساختمان سازی با تراکم بالا داده شد، عمودی سازی و آپارتمان سازی رونق گرفت و این پرند ها از این نقطه شهر مهاجرت کردند.

۲. حدود ۲۵ سالی می شود که محله ما یکی از میزبان های خوب اعیان نیمه شعبان است. عصر نیمه شعبان، مدیریت محترم یکی از رستوران های این محله، بانی اصلی این مراسم، با کمک های مادی و معنوی اهالی محله نوفل، جشن می گیرند و از مهمانان نشان پذیری می کنند.

۳. بیش از این سال ها هم معمولا در ماه مبارک رمضان، بعد از افطار، همسایه ها به منازل یک دیگر می رفتند و شب را به شب نشینی می گذراندند؛ همچنین بعد از افطار از بچه ۷ ساله تا جوان ۲۷ ساله در کوچه بازی می کردند. آن روزها از فلکه ملک آباد تا فلکه تلویزیون، خیابانی را که آسفالت بود، می بستیم و «هرو» بازی می کردیم، همین که این روزها، آن را بانام «کیدی» می شناسند.

۴. یکی از ویژگی های محله ما رفت و آمد خانوادگی همسایه ها با یک دیگر بود؛ به جز ما - که به واسطه دایمی ام که کارمند بیمارستان امام رضا (ع) بود- این جا را خریدیم، بقیه ساکنان محله نوفل از کارمندان آستان قدس بودند و به سبب این شناخت، رفت و آمد خانوادگی در ساعات غیراداری زیاد بود. علاوه بر این، یکی از مراسم هایی که ما همه سال منتظر رسیدنش بودیم، شب چهارشنبه سوری بود. محله ما به علت شکل و فرم بسته ای که دارد، غیر از محلی ها معمولا کسی در آن رفت و آمد ندارد؛ برای همین مراسم چهارشنبه سوری حالت خانوادگی به خودش می گرفت. خاطرم هست، ۱۰ روز قبل از رسیدن چهارشنبه سوری، همه ما بچه های محل همت می کردیم و می رفتیم «باغ ملک آباد» تا چوب های بریده و خشک شده را برای مراسم چهارشنبه سوری جمع آوری کنیم. این مراسم پر شور و هیجان در محله ما از سال ۶۰ تا سال ۷۵ برپا بود. شب چهارشنبه سوری که فرا می رسید، از خیابان نوفل ۱۰ ثانوفل ۴ سرتاسر بوته های کوتاه آتش درست می کردیم که اصلا خطرناک نبود. همه خانواده ها از سربش از خانه هایشان بیرون می آمدند و به نوبت از روی آتش می پریدند. بعد از اجرای مراسم پریدن از روی آتش، بازار رسوم دیگر این شب مانند «ملاقه زنی» و «قاشق زنی» داغ می شد.

گاز و نه هیچ امکانات دیگری، توانست به وسیله مشعل گازوئیلی و آب تانکری، یک حمام در محله نوفل تأسیس کند. ایشان در آن زمان یکی از بهترین گرمابه های مشهد (گرمابه «قائم») را راه اندازی کرد که به صورت خصوصی و نمره بود. این گرمابه آن قدر تمیز بود که از همه نقاط شهر به این جا می آمدند. خاطرم هست آن چنان سرشان شلوغ بود که ما افراد محله نوفل باید وقت می گرفتیم تا بتوانیم از حمام استفاده کنیم.»

هم محل چهره های نامداریم

«در کنار همه این ها نوفل لوشاتو محل زندگی چهره های نامدار بسیاری بوده است؛ به طور مثال قهرمان کشتی آسیا، حسین آقای تاتاری، ساکن محله نوفل بودند؛ درواقع خانواده تاتاری همه کشتی گیر بودند و طلای آسیایی را برای محله ما به ارمغان آوردند. خود من هم رشته ام تربیت بدنی بود و عضو تیم ملی کبکی بودم و وقتی اولین تیم ملی کبکی ایران راه اندازی شد، عضو این تیم بودم. همچنین در رشته هفت گانه، در سطح آموزشگاه های کشور و در سطح جوانان، قهرمانی دارم. در مسابقات نیروهای مسلح هم مدال کسب کرده ام. یکی دیگر از قدیمی های محل، آقای فریبرز ملک، قهرمان پرتاب دیسک آسیا، بودند که در حال حاضر مربی تیم ذوب آهن اصفهان و همچنین کارمند ذوب آهن اصفهان هستند. ایشان هم خانه شان را فروختند و در حال حاضر ساکن محله نوفل نیستند.»

اولین مسجد محله

«در باره اولین مسجد محله هم باید بگویم که در اوایل دهه ۶۰ مسجد محله ما یعنی مسجد «حضرت قائم (عج)»، هنوز در حال ساخت بود. سال ۶۴ مسجد «حضرت قائم (عج)» ابتدا به صورت یک زیرزمین کوچک ساخته شد و شروع به فعالیت کرد. این مسجد به تدریج مرتب تر و بزرگ تر شد و خوشبختانه در ۳ سال اخیر با همکاری آقای زیارت نیا، کامل شد و حالا یکی از مساجد زیبای محلی به شمار می رود.»

بچه های محل، هم سو با انقلاب و جبهه

«در اوایل سال ۶۰ که من دوران راهنمایی ام را سپری می کردم و مسجد محله ما کامل نشده بود، مسجد «المهدی» واقع در رضا شهر به پایگاه کل مناطق رضا شهر، نوفل لوشاتو، باغستان و طالقانی تبدیل شده بود. اگر فلاش بک بزنیم به دوران جنگ، منطقه نوفل و رضا شهر گردانی به اسم گردان «روح ا...» داشت که تمام اعضایش از فرمانده گردان تا تدارکات، بچه های محله رضا شهر و نوفل بودند. محله ما جزو محلات شهید پرور مشهد نیز به شمار می رود، زیرا بچه های محلات رضا شهر و نوفل خیلی موازی با فعالیت های انقلاب حرکت می کردند.»

به مرور مشکل امنیت آن هم برطرف شد؛ درواقع از همان دوران محله نوفل لوشاتو، یک محله کاملا اجتماعی محسوب می شد و چون جزو اولین شهرک های تعاونی مسکن بعد از انقلاب به شمار می رفت، اکثر ساکنانش را کارمندان تشکیل می دهند.»

یادی از جوی آب گناباد

«در مورد ورود امکانات به محله هم باید بگویم که خاطرم هست بچه که بودم از این نقطه شهر جوی آبی به نام «جوی آب گناباد» عبور می کرد. این جوی از بالای جاده قوچان سرچشمه می گرفت و تا به اینجا سرازیر می شد. این جوی هم باغ ملک آباد و هم بولوار وکیل آباد را آبیاری می کرد؛ علاوه بر این ها استخر کوهسنگی هم از این امر مستثنی نبود و جوی آب گناباد در مسیر خودش خیابان دانشگاه و کوهسنگی را هم آب می داد. در زمان سکونت مادر این محله، هیچ یک از امکانات لازم برای یک محله شهری مانند آب، برق، گاز و تلفن وجود نداشت. خاطرم هست که به دلیل نبود آب در محله نوفل، خانم های محله، رخت و لباس هایشان را پای همین جوی گناباد می شستند. آب آشامیدنی هم نداشتیم و افراد محله با کمک هم دیگر آب مورد نیاز ساکنان محله را به وسیله تانکر از دیگر نقاط شهر می آوردند.»

کارهای محله بین دو گروه بانوان و آقایان

تقسیم شده بود

«مادر آن سال ها با کمبود امکانات روبه رو بودیم، اما این باعث نمی شد که افراد محل دست روی دست بگذارند؛ خانم ها و آقایان محله پایه پای هم برای رفع مشکلات و کمبودهای محله تلاش می کردند. شیوه کارشان هم به این شکل بود که خانم ها و آقایان کارها را بین خودشان این گونه تقسیم بندی کرده بودند؛ پیگیری کارهای اداری محله با بانوان و پیگیری کارهای ساختمانی محل با آقایان. به طور مثال گروهی از خانم ها گرد هم می آمدند، هیئتی تشکیل می دادند و به ادارات مختلف می رفتند؛ از انصاف نگذردیم، نتیجه هم می گرفتند. گروه بانوان به استانداری می رفتند و تقاضای آب لوله کشی، برق، گاز و تلفن می کردند. آقایان محل نیز دنبال مصالح ساختمانی بودند که بیشتر آن ها را شرکت تعاونی توزیع می کرد.»

کوین مصالح ساختمانی

«باید بگویم که محله نوفل، یک شرکت تعاونی مصالح ساختمانی نیز داشت که مؤسسه خدایا مرز آقای دهقان بود. ایشان از اعضای هیئت امنای این شرکت نیز محسوب می شد. علاوه بر این، آقای مرجانی، آقای وارسته، آقای سنایی و برادر بزرگ خود بنده، دیگر اعضای این شرکت بودند. این شرکت بنای مستقلی نداشت و منزل آقای وارسته هم دفتر شرکت تعاونی بود و هم کمیته توزیع مصالح ساختمانی. فراموش نمی کنم که مردم می آمدند صف می کشیدند تا کوپن مصالح ساختمانی مورد نیازشان را تحویل بگیرند. مردم کوپن مصالح ساختمانی را از خیابان سازمان آب، و مصالح مورد نیازشان را از ساختمان توزیع مصالح می گرفتند و خودشان خانه هایشان را می ساختند. این را هم اضافه کنم که در محله نوفل چون خانه ها را خود مردم می ساختند، تراکم کم بود؛ عموم خانه های اینجا یک یا دو طبقه بود که روی کرسی ساخته می شد (اصطلاحاً ترکی ساز).»

تأسیس اولین نانوایی و سوپرمارکت

«از قدیمی ترین افرادی که در این محله کاسب شد و مواد غذایی توزیع می کرد حاج آقای مرجانی بود که در فاز تجاری محله به عنوان اولین کسبه محله ما خدماتی را به مردم ارائه می داد. خاطرم هست در دورانی که در نوفل فقط ۱۰ خانه ساخته شده بود، اوریسک کرد و در حوالی سال ۱۳۶۰ اولین نانوایی و سوپرمارکت را تأسیس کرد که با وجود پرت بودن محله، کار بسیار شایسته و جسورانه ای بود. یادم می آید که سوپرمارکت آقای مرجانی خیلی کامل بود؛ حتی مرغ هم داشت. دهه ۶۰ تا ۷۰ اجناس کوپنی بود. آقای مرجانی هم اجناس کوپنی را که شامل مواد غذایی مورد نیاز مردم بود توزیع می کرد؛ البته ایشان ساکن اینجا نیست و در رضا شهر سکونت دارد.»

گرمابه قائم، اولین حمام محله بود

«یکی دیگر از افرادی که در رفع نیازهای مردم محله کمک زیادی کرد، حاج آقای بزرگ بود. آقای بزرگ در دورانی که نه آب بود، نه

